

تنها مسیر برای زندگی بهتر ۲

پناهیان: باید زندگی‌مان را درست کنیم تا بتوانیم عاشق خدا شویم/ «سامری»‌های امت پیامبر(ص) دنبال دین و عرفان منهای زندگی بوده‌اند/ دین حتی می‌تواند فوتبال ما را بهتر کند/ دشمنی با انبیا، از آنجایی آغاز شد که انبیا، قصد آبادانی زندگی را کردند+صوت

ما باید از طریق اصلاح زندگی، بندگی خودمان را اصلاح کنیم. اگر ما بتوانیم زندگی خودمان را تنظیم کنیم به نقطه‌ای خواهیم رسید که زندگی بسیار زیبایی خواهیم داشت. هر وقت دیدید که حال مناجات ندارید، مطمئن باشید که خوب زندگی نکرده‌اید، یعنی یک‌جایی به زندگی بی‌اعتنا بوده‌اید، یک‌جایی برای زندگی اهمیت قائل نشده‌اید، یا اینکه با پدیده معیشت و حیات و زندگی، غیرمحرمانه برخورد کرده‌اید.

حجت الاسلام علی‌رضا پناهیان که در رمضان گذشته با موضوع «**تنها مسیر- راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی**» سخنرانی کرد و مورد استقبال جوانان قرار گرفت، امسال قرار است به مدت ۳۰ شب در مسجد امام صادق (ع) میدان فلسطین به موضوع «**تنها مسیر برای زندگی بهتر**» بپردازد و به سوال «چگونه یک زندگی بهتر داشته باشیم؟» پاسخ دهد. در ادامه فرازهایی از **دومین جلسه** این سخنرانی را می‌خوانید:

خیلی‌ها تصور می‌کنند که دین، زندگی را منفور می‌داند!

زندگی نه تنها در نظر مردم بلکه در نظر پروردگار عالم نیز موضوع بسیار مهم و قابل توجهی است، کما اینکه در بخشی از آیات کریمه قرآن، خداوند متعال از موضوع زندگی شروع می‌کند. در سوره مبارکه طه، خداوند از زندگی در بهشت، برای حضرت آدم (ع) تعریف می‌کند و چهار ویژگی مهم را برای آن زندگی برمی‌شمرد و می‌فرماید: تو در بهشت هیچ‌وقت گرسنه نخواهی شد، هیچ‌وقت تشنه نخواهی شد، هیچ‌وقت بی‌لباس و ناامن باقی نخواهی ماند، هیچ‌وقت زیر آفتاب، بی‌سرپناه قرار نخواهی گرفت. **(إِنَّ لَكَ أَلًا تَجُوعُ فِيهَا وَ لَا تُعْرَىٰ وَ أَنْتَ لَا تَطْمَؤُا فِيهَا وَ لَا تَضْحَىٰ؛ طه/۱۱۸ و ۱۱۹)** و می‌فرماید: مواظب باش که دشمن تو یعنی شیطان، تو را از این بهشت اخراج نکند **(فَقَلْنَا يَادْمُ إِنَّ هَذَا عَدُوُّكَ وَ لِرُؤُفِكَ فَلَا يَخْرُجُكَمَا مِنَ الْجَنَّةِ؛ طه/۱۱۷)** این آیات نشان می‌دهد که خداوند در آغاز زندگی انسان در بهشت، درباره «زندگی» انسان با او سخن می‌گوید. پس معلوم می‌شود که زندگی انسان برای خداوند مهم است، آن‌هم آن بخشی از زندگی که مربوط می‌شود به نیازهای ابتدایی حیاتی ما که حتی می‌توان از آن به نیازهای حیوانی تعبیر کرد.

تصور خیلی‌ها از دین اساساً این است که دین زندگی را چیز بدی می‌داند! یا اینکه دین زندگی را یک مسأله منفوری می‌داند که اصلاً زشت است درباره آن سخن بگوییم! حتی برخی تصور می‌کنند که دین می‌خواهد یک‌طوری این زندگی را از بین ببرد! تصور ما باید نسبت به زندگی، درست شود.

خداوند در آیات فوق می‌فرماید: مواظب باشید که شیطان شما را از بهشت اخراج نکند که اگر از بهشت خارج شوید، زندگی شما دچار مشقت و سختی خواهد شد. **(...فَلَّا يَخْرُجُكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى؛ طه/۱۱۷)** و بعد از هبوط آدم (ع) به زمین نیز می‌فرماید: هدایت من به شما خواهد رسید، وقتی هدایت من به شما برسد، اگر از هدایت من تبعیت کنید، زندگی شما دچار مشقت نخواهد شد **(فَإِنَّمَا**

يَأْتِيَنَّكُمْ مِّنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَ لَا يَشْقَى؛ طه/۱۲۳) و در ادامه می‌فرماید: اگر از هدایت من تبعیت نکنید و حرف پیامبران مرا گوش نکنید، زندگی شما دچار دشواری خواهد شد **(وَ مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا؛ طه/۱۲۴)**

تبعیت از هدایت الهی، زندگی راحت را نصیب انسان خواهد کرد/ پیامبر(ص): نماز مایه راحتی بدن است

- در این آیات از سوره طه کاملاً واضح است که موضوع اول، موضوع زندگی انسان است و اینکه ما نباید زندگی بامشقتی داشته باشیم. یکی از اهداف کلیدی و مهم هدایت‌های الهی، از بین بردن زندگی پرمشقت است و تبعیت کردن از هدایت الهی، زندگی راحت را نصیب انسان خواهد کرد.
- به عنوان مثال در دین ما، نماز عمود خیمه دین است و اهمیت نماز معلوم است. و بسیاری از ما از اسرار نماز سر در نمی‌آوریم. نماز یک عمل تکراری است و ممکن است سخت باشد که انسان روزی چند مرتبه از زندگی عادی خودش دل بکند و کاری را انجام دهد که شاید حکمت و فایده آن را هم متوجه نشود. در حالی که نماز علاوه بر آثار معنوی فراوان، آثار و فواید مادی نیز برای ما دارد. یک نمونه‌اش این است که پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «نماز مایه راحتی و آرامش بدن انسان است؛ الصَّلَاةُ... رَاحَةٌ فِي الْبَيْتِ» (جامع الاخبار/۲۲)

کمتر کسی به آثار جسمی و فواید دنیایی نماز توجه می‌کند/ امیرالمؤمنین (ع): نماز شب موجب سلامت بدن است

- **ما معمولاً کمتر به آثار جسمی نماز توجه می‌کنیم و کمتر کسی به فواید دنیایی نماز توجه می‌کند. اگر مبلغین بخواهند درباره این آثار و فواید دنیایی نماز سخن بگویم، احتمالاً به آنها خواهند گفت: «شما آن مسائل زیبایی معنوی را از آن اوج خودش پایین آوردید و در سطح نیازهای مادی ما مطرح کردید!»**
- همچنین درباره نماز شب که اوج معنویت ماست، روایت‌های زیادی وجود دارد که به آثار و فواید دنیایی آن اشاره دارد. به عنوان مثال امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «قیام شب، اصلاح‌کننده بدن است؛ قِيَامُ اللَّيْلِ مَصْحَفٌ لِلْبَدَنِ» (محاسن/۵۳/۱) یعنی سحرخیزی و نماز شب، سلامت را برای بدن انسان به ارمان می‌آورد. برخی از کسانی که در رشته‌های مختلف مربوط به بیماری‌های جسمی کار می‌کنند نیز بر اساس مطالعات و بررسی‌های علمی، سخنانی در این زمینه دارند.
- بسیاری از ما باور نمی‌کنیم که نماز شب برای سلامتی بدن مان هم مفید است! نگاه ما به دین، معمولاً این‌گونه نیست که ما برای زندگی راحت و خوب و خوش در دنیا، به دین احتیاج داریم و دین هم بهترین راهنمایی‌ها را در این زمینه انجام داده است، راهنمایی‌هایی که دیگران نمی‌توانند برای ما انجام دهند بلکه این پروردگار انسان است که می‌تواند ما را در داشتن زندگی بهتر راهنمایی کند.

«رفع سوء تفاهم درباره دین» هدف اول از طرح این بحث/ ابلیس با ایجاد سوء تفاهم آدم (ع) را از بهشت خارج کرد

- ما در این جلسات که می‌خواهیم برای زندگی بهتر، به سراغ دین برویم، سه هدف عمده را از این بحث در نظر داریم. یک هدف رفع سوء تفاهم است؛ هم برای مذهبی‌ها و هم برای غیرمذهبی‌ها. در طول تاریخ، خیلی سوء تفاهم‌ها ایجاد شده است. ابلیس از همان روز اول در این زمینه کار کرده است. او با ایجاد یک سوء تفاهم، حضرت آدم (ع) را از بهشت خارج کرد و او را به معصیت

و ادرا کرد و ما را به زمین کشاند. خیلی‌ها برای این سوء تفاهم دارند کار می‌کنند. اولش هم با تمسخر شروع می‌کنند، فکر نکنید با استدلال شروع می‌کنند. بلکه با فریبکاری و تزئین دنیا و با ایجاد غفلت در انسان و با تمسخر آدم‌های مذهبی و تمسخر دین و دیانت، این کار را انجام می‌دهند. فکر نکنید که آنها واقعاً سخن منطقی‌ای در این زمینه دارند!

• آیا کسی هست که تحقیق کرده باشد که نماز برای بدن ضرر دارد؟! آیا کسی هست که بر اساس تحقیق و بررسی بگوید: نماز هیچ فایده‌ای ندارد؟! در این زمینه‌ها، حتی سخن به‌ظاهر عالمانه غلط هم وجود ندارد. بلکه با تمسخر و سخنان پوچ و عوامانه و شلوغ کاری سعی می‌کنند سوء تفاهم ایجاد کنند. ولی بالاخره در طول تاریخ یک تجمعی از سخنان غلط و ذهنیت‌های غلط نسبت به دین پدید آمده است.

هم متدین‌ها و هم غیرمتدین‌ها دربارهٔ فاصلهٔ دین و زندگی دچار سوء تفاهمند

• بسیاری از آدم‌های غیرمذهبی و غیرمتدینی منظم هستند و در زندگی روزمره‌شان آدم‌های موفق هستند. مثلاً خوب درس می‌خوانند، خوب درس می‌دهند، خوب کار می‌کنند، آرامش روحی دارند، در کسب و کارشان آدم‌های دقیقی هستند. یعنی خیلی‌ها هستند که جزئیات مادی زندگی‌شان درست است ولی می‌بینیم که دینداری نمی‌کنند. معلوم می‌شود به احتمال زیاد، برای اینها سوء تفاهمی پیش آمده است درحالی که اینها خیلی با دین تناسب دارند.

• برای کسانی که اهل دین و دیانت نیستند، سوء تفاهم‌های زیاد و متنوعی نسبت به فاصله داشتن دین با زندگی پدید آمده است، به حدی که بعضی‌ها فکر می‌کنند که دین مال اینها نیست و اینها آدم دین نیستند! این سوء تفاهم باید برطرف شود.

• این سوء تفاهم‌ها فقط برای آدم‌های بی‌دین نیست، بلکه آدم‌های متدین هم در زمینهٔ فاصله داشتن دین و زندگی، خیلی دچار سوء تفاهم هستند. مثلاً آدم متدین و معتقدی که اهل نماز است و دستورات خدا را اجرا می‌کند اما چون از دین برای بهبود زندگی‌اش استفاده نکرده، زندگی موفق ندارد؛ او هم احتمالاً دچار سوء تفاهم است. او هم فکر می‌کند که دین ربطی به زندگی‌اش ندارد و لذا هر موقع در اثر اینکه دستورات دینی را اجرا نکرده، در زندگی‌اش ناموفق می‌شود، فکر می‌کند که این مقدرات الهی بوده که مثلاً فقر نصیبش شود یا برخی مشکلات در زندگی‌اش پدید بیاید. در حالی که او می‌توانست بسیاری از مشکلات را با کمک دین برطرف کند.

• ما باید سوء تفاهم‌ها را برطرف کنیم تا اقبال به دین بیشتر شود. اگر بتوانید برای همه روشن کنید که «دین برنامه‌ای برای زندگی بهتر است»، طرفداران دین خیلی بیشتر خواهند شد. دربارهٔ همین روزهٔ ماه مبارک رمضان پیامبر(ص) فرموده‌اند: «صَوْمُوا تَصِحُّوا» (دعائم الاسلام/۱/۳۴۲) یعنی روزه بگیرید تا سلامت بدنی خودتان را پیدا کنید. پزشکان هم باید در این باره صحبت کنند. یک نمونهٔ دیگر از آثار عبادت بر جسم هم این است که سجدهٔ طولانی برای گردش بهتر خون در مغز مؤثر است.

در صورت رفع سوء تفاهم‌ها، دین یک مقولهٔ «روشنفکری» و «تجددمآب» محسوب خواهد شد

• اگر این سوء تفاهم‌ها برطرف شود، دین جلوهٔ دیگری بین مردم پیدا خواهد کرد. اولاً دین از مقولهٔ روشنفکری خواهد شد. و ثانیاً دین چیزی از مقولهٔ تجددمآبی خواهد شد. یعنی کسانی که دوست دارند جدید باشند، و به دنبال راه حل‌های جدید برای زندگی

بهتر هستند، به سراغ دین خواهند رفت. اگر نگاه ما به دین این‌گونه باشد که دین آدم‌ها را با کلاس می‌کند و آنها را به زندگی بهتر می‌رساند، اوضاع بازار دین و دینداری متفاوت خواهد شد. و مذهبی‌های ما از دینداری نفع بیشتری خواهند برد.

• وقتی به بعضی متدین‌ها می‌گوییم: «دینداری تو به نفع زندگی توست و زندگی تو را بهتر خواهد کرد و تو را در زندگی، موفق تر قرار می‌دهد» برخی می‌گویند: «شما معنویت ما را خراب کردید؛ چون نگاه ما به دین، خیلی عارفانه‌تر و مخلصانه‌تر و عاشقانه‌تر از اینها بود!» در حالی که این نگاهی که خیال می‌کنیم خیلی عارفانه و مخلصانه‌تر است، یک نوع منت گذاشتن سر دین است که بگوییم: «خدا! ما آمدیم دینداری کردیم و از دنیای خودمان به خاطر تو گذشتیم!» و گاهی اوقات اینها اساساً توهم دینداری است و حقیقت دینداری نیست.

در مقابل «تمدن غرب» باید نشان دهیم «دین انسان را به زندگی و تمدن بهتری می‌رساند»/ غرب در رقابت

با آبادانی ناشی از دین ناتوان است

• رفع سوء تفاهم نسبت به فاصله داشتن دین از زندگی، آثار بیرونی هم دارد. یکی از این آثارش در ارتباط با جهان غرب است. ما در مقابل تمدن غرب، یک حرف بیشتر نداریم و آن هم اینکه «دین انسان را به تمدن و زندگی بهتری می‌رساند»؛ زندگی بهتر یعنی هم از نظر فردی و هم از نظر اجتماعی. البته آنها الان این واقعیت را متوجه شده‌اند، به همین دلیل است که می‌آیند و بمباران می‌کنند و خراب می‌کنند. ببینید چه بر سر افغانستان و عراق و سوریه و یمن آوردند. چرا ساختمان‌ها را خراب می‌کنند؟ چرا تأسیسات را نابود می‌کنند؟ اینها متوجه شده‌اند که اوج پیشرفت خودشان همین است که الان به آن رسیده‌اند و حالا دوران بازگشت فواره برای آنها فرارسیده است. دوران خراب شدن این تمدن پوشالی فرارسیده است. آنها نمی‌توانند با تمدنی که دین می‌تواند ایجاد کند، رقابت کنند، لذا به تخریب فیزیکی روی آورده‌اند و آمده‌اند شهرها را نابود کنند و در مقابلش، شیک بودن شهرهای خودشان را حفظ کنند تا این رقابت را ببرند!

• برای آنها مهم نیست که به چه دلیلی این خرابی‌ها را ایجاد کنند. یک وقت به دلیل مواضع دولت سوریه بمباران می‌کنند و یک وقت هم به دلیل مواضع داعش بمباران می‌کنند! برای آنها فرقی نمی‌کند، فقط می‌خواهند این شهرها خراب باشند، چون آنها در رقابت با آبادانی‌ای که دین در مقابل نظام سرمایه‌داری ایجاد می‌کند، خودشان را ناتوان می‌بینند.

مسبب سوء تفاهم کشور را دو شقه کرده‌اند: ۱. دینداران زندگی‌گریز ۲. زندگی‌طلبان آرمان‌گریز/ اینها

وقتی می‌گویند «نیروهای ارزشی» منظورشان عدم واقع‌بینی است

• این در شرایطی است که متأسفانه همان کسانی که در طول تاریخ، سوء تفاهم ایجاد کرده‌اند، توانسته‌اند در کشور اسلامی ما دو شقه ایجاد کنند: شقهٔ دینداران زندگی‌گریز، یا آرمان‌گرایان غیرواقع‌بین و شقهٔ زندگی‌طلبان واقع‌بین آرمان‌گریز. و خیلی‌ها هم باورشان شده است که واقعاً این دو گرایش وجود دارد و این تقسیم‌بندی درست است!

• آیا واقعاً مذهبی‌ها و انقلابیون، زندگی‌گریز هستند؟! آیا اینها آرمان‌گرای غیرواقع‌بین هستند؟! در حالی که اساساً آرمان‌گرایی غیرواقع‌بینانه غلط است! اصلاً چنین چیزی نداریم. خیلی راحت به دروغ اسم‌گذاری می‌کنند و مثلاً می‌گویند: اینها نیروهای ارزشی هستند و منظورشان این است که اینها واقع‌بین نیستند و فقط دنبال ارزش‌ها هستند و به بهبود زندگی نمی‌اندیشند! بعد هم

خودشان را طرفدار زندگی معرفی می‌کنند. حتی برخی گروه‌ها هم نان سیاسی این‌طور تفرقه‌افکنی‌ها و ایجاد سوء تفاهم‌ها را می‌خورند.

این سوء تفاهم را در جامعه ما ایجاد کرده‌اند که عده‌ای طرفدار «زندگی»، و عده‌ای طرفدار «بندگی» اند، و این دو گروه با هم می‌جنگند!

- چقدر سخیف است که برخی بخواهند مردم را بر اساس عینکی بودن و عینکی نبودن به دو گروه تقسیم کنند و بر این اساس، طبقات اجتماعی درست کنند؟! همان قدر هم این سوء تفاهمی که ایجاد کرده‌اند، سخیف است که می‌گویند: یک عده‌ای طرفدار زندگی هستند و یک عده‌ای هم طرفدار بندگی هستند و این دو گروه با هم می‌جنگند! آنها توانسته‌اند این سوء تفاهم غیرعقلانه را در رده‌های بسیار عمده اجتماعی در جامعه ما ایجاد کنند و متأسفانه خیلی‌ها هم فریض را خورده‌اند.
- یک مسجد درست و خوب، مسجدی است که اگر خانواده‌های غیرمتدین محله، می‌خواهند بچه‌های آنها در کنکور موفق باشند، بچه خود را به این مسجد ببرند و بگویند: ما نمی‌خواهیم بچه ما مذهبی شود ولی دیده‌ایم که بچه‌های این مسجد نسبت به سایر جوانان محله، در کنکور بهتر قبول می‌شوند» اگر بسیج در این مسجد فعال است، این یک بسیج درست است. نادرست است که تصور کنیم: «اگر می‌خواهیم ارزش‌ها را پاس بداریم، باید به سراغ مسجد برویم و اگر می‌خواهیم دنیای ما تأمین شود به سراغ کانون‌های دیگری برویم که ربطی به مسجد ندارد!»

هر انسان دینداری باید پاسخ دهد که «دینش در زندگی‌اش چه تأثیری داشته؟» دشمنی با انبیا، از آنجا آغاز می‌شود که برای آباد کردن زندگی، در امور زندگی دخالت می‌کنند

- درست است که هدف نهایی دین، تقرب است، ولی در یک زندگی درست است که می‌شود به خدا مقرب شد. کسی که معیشت و زندگی‌اش دشوار باشد، روز قیامت کور وارد صحرای محشر خواهد بود (طه/۱۲۴)
- هر انسان دینداری باید بتواند به این سؤال پاسخ دهد که «دین تو در زندگی تو چه تأثیری داشته است؟» بحث بر سر اصلاح زندگی است و درگیری از اینجا شروع می‌شود و الا کسی که بندگی‌اش هیچ ربطی به زندگی‌اش نداشته باشد، در طول تاریخ هیچ‌کسی با او دشمن نخواهد شد. دشمنی با انبیا از آنجایی آغاز می‌شود که برای آباد کردن زندگی، در امور زندگی دخالت می‌کنند.
- اگر سوء تفاهم‌ها درباره نقش دین در بهبود زندگی برطرف شود، هر کسی که یک آدم متدینی را ببیند می‌گوید: حتماً زندگی او خیلی قشنگ‌تر، شیک‌تر و بهتر است. البته معنای زندگی شیک و قشنگ و خوب، یک زندگی سرشار از اسراف و تجملات بی‌خود نیست و ما نمی‌خواهیم این نوع زندگی را تبلیغ کنیم و در جلسات آینده به تعریف زندگی بهتر خواهیم پرداخت.
- دین خیلی برای بهبود زندگی ما حرف دارد ولی متأسفانه نگاه ما نسبت به دین سطحی است. به عنوان مثال مکرراً پیش آمده که ائمه هدی (ع) برخی از اصول بهبود زندگی و بعضی از تکنیک‌های ظریف‌تر بهتر شدن زندگی را به دوستان خودشان یاد می‌دهند و

به آنها تأکید می‌کنند که «این مطلب را به دشمنان خودتان یاد ندهید چون دشمنان شما از همین اصول استفاده می‌کنند و زندگی خودشان را بهتر می‌کنند و بعد هم برای نابودی شما اقدام می‌کنند.»

هدف دوم از طرح این بحث: اصلاح زندگی و رسیدن به زندگی بهتر/ دین حتی می‌تواند فوتبال ما را بهتر کند

- اولین هدف ما از این بحث، رفع سوء تفاهم است، دومین هدف ما «اصلاح زندگی و تحصیل زندگی بهتر» است یعنی اینکه ما چگونه به سراغ دین برویم که واقعاً زندگی ما بهتر شود؟ ما مؤمنین و متدینین، بالاخره باید از این دین خودمان برای زندگی بهتر، بهره ببریم. واقعاً گاهی اوقات مهارت‌هایی برای یک زندگی بهتر لازم است که وقتی انسان این مهارت‌ها را به دست می‌آورد، به نتیجه بهتر می‌رسد و در کارش موفق‌تر است. همه صنوف به این مهارت‌ها نیاز دارند: از ورزشکار و محقق و پژوهشگر گرفته تا تاجر و صنعتگر.
- مثلاً درباره همین فوتبال به عنوان یک بازی پرطرفدار، آیا دین ما تعلیماتی ندارد که به درد ورزشکاران این رشته ورزشی بخورد؟ درست است که ۱۴۰۰ سال پیش فوتبال نبوده، اما وقتی ائمه هدی (ع) راه‌های زندگی بهتر را تبیین می‌کنند، می‌توانیم از تعلیمات آنها برداشته‌هایی داشته باشیم که به درد این ورزشکاران بخورد. اگر فوتبال ما در جهان فوتبال اول نباشد، علامت این است که دین را خوب تعلیم و تبلیغ نکرده‌ایم. چون وقتی دین زندگی ما را بهبود بخشد، طبیعتاً در اموری مثل ورزش فوتبال هم تأثیر خواهد گذاشت.
- الان برداشت از دین به‌گونه‌ای است که اگر بگوییم «دین می‌تواند فوتبال ما را بهتر کند» این سخن کمی تعجب‌آور یا خنده‌دار به نظر می‌رسد. کمالینکه برخی سخنان امیرالمؤمنین (ع) در آن زمان برای مردم تعجب‌برانگیز بود. مثلاً اینکه به مردم می‌فرمود: می‌توانستم از این آب (رودخانه) شهبای شما را روشن کنم.

هدف سوم از طرح این بحث، اصلاح بندگی و رسیدن به بندگی بهتر/ بدون اصلاح زندگی نمی‌شود به بهترین حیات اخروی رسید

- هدف سوم ما از این بحث، اصلاح بندگی و تحصیل بندگی بهتر است. واقعاً ما دنبال این هستیم که به خدا نزدیک شویم، معنویت‌مان افزایش یابد و حیات اخروی‌مان را آباد کنیم، اما برای تقرب به خدا و داشتن حیات اخروی خوب، باید از مسیر زندگی درست عبور کنیم. یعنی نمی‌شود زندگی دنیا را دور بزنیم و به بهترین حیات در عالم آخرت برسیم.
- ممکن است برخی افراد نادان این‌طور بگویند: «ای کاش می‌شد که یک دین یا یک سبکی برای بندگی داشته باشیم که خداوند از ما نخواهد که زندگی‌مان درست شود، یا از ما نخواهد که از مسیر زندگی درست عبور کنیم! آن وقت می‌رفتیم و به بهشت و رضوان الهی می‌رسیدیم و به خدا مقرب می‌شدیم و آدم محبوبی نزد خدا می‌شدیم!» این امکان‌پذیر نیست و الا اصلاً شاید این‌طوری دینداری راحت‌تر بود.
- یکی از دوستان امام صادق (ع) پیرمرد تاجری بود که به قدر کافی مال و اموال داشت و می‌خواست خودش را بازنشسته کند چون می‌گفت: من که دیگر نیازی ندارم دنبال کسب و تجارت بروم و خودم را خسته کنم و ذهن خودم را درگیر کنم. برای امام صادق (ع) خبر آوردند که فلانی می‌خواهد خودش را بازنشسته کند، از تجارت کناره‌گیری کند و به عبادت و بندگی بپردازد و این سالهای آخر

عمرش را راحت‌تر زندگی کند. امام صادق(ع) فرمودند: اگر تجارت را قطع کند، عقلش کم خواهد شد، و حق ندارد این کار را بکند. (بِأَمْرٍ مَعَاذُ أَوْ ضَعْفَتْ عَنِ التَّجَارَةِ أَوْ زَهَدَتْ فِيهَا... فَإِنَّ تَرْكَهَا مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ؛ کافی/۱۳۹/۵) حضرت می‌فرماید، کسی که تجارت را ترک کند، عقلش کم خواهد شد. آن‌وقت شما بروید در روایات ببینید عبادت کسی که عقلش کم است چقدر اجر دارد و چقدر اجر عبادتش کاهش پیدا می‌کند؟

شاید ما بد زندگی می‌کنیم که بد زندگی می‌کنیم؟/ نمی‌شود غیر از راه «اصلاح زندگی» به خدا مقرب شد

- هدف سوم ما این است که بندگی خودمان را اصلاح کنیم. شاید ما بد زندگی می‌کنیم که بد زندگی می‌کنیم؟ شاید بد کار می‌کنیم که بد نماز می‌خوانیم؟ شاید ما روز خودمان را بد پشت سر می‌گذاریم که نیمه‌شب سفره مناجاتمان در خانه خدا پهن نیست.
- برخی می‌پرسند: «چه کار کنم که توجه من در نماز بیشتر شود؟ چه کار کنم که اشک و آه و ناله در خانه خدا بیشتر شود؟ چه کار کنم که به امام زمان(ع) نزدیک شوم و بتوانم ایشان را ببینم؟» این نشان می‌دهد که او یک انسان معنوی است که خدا را دوست دارد، اهل بیت(ع) را دوست دارد و می‌خواهد به خدا مقرب شود. اما نمی‌شود غیر از طریق اصلاح زندگی به خدا مقرب شد.

دین منهای زندگی خبلی ترویج شده و خیلی هم طرفدار دارد/ برخی دوست ندارند در مسیر تقرب، درگیر زندگی باشند

- برخی افراد نادان می‌گویند: ای کاش می‌شد که ما درگیر دنیا نشویم و فقط آخرتی باشیم و با خدا صفا کنیم! دین منهای زندگی خیلی ترویج شده است و خیلی هم طرفدار دارد. اصلاً بعضی‌ها خوش‌شان نمی‌آید که در مسیر تقرب، درگیر زندگی باشند.
- همان‌طور که می‌دانید، سامری کسی بود که قوم بنی اسرائیل را گوساله‌پرست کرد. قوم بنی اسرائیل صدها سال منتظر نجات از دست فرعون‌ها بودند و آن قدر ضجه زدند تا ظهور موسی جلو افتاد. (...فَلَمَّا طَالَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ الْعَذَابُ حَجَّوْا وَ بَكَوْا إِلَى اللَّهِ أَرْثَمِينَ صَبَاحًا فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى وَ هَارُونَ يَخْلُصُهُمْ مِنْ فِرْعَوْنَ فَحَطَّ عَنْهُمْ سَبْعِينَ وَ مِائَةَ سَنَةٍ؛ تفسیر عیاشی/۱۵۴/۲) قوم بنی اسرائیل کسانی بودند که در یک مقطعی، پسران آنها را گردن می‌زدند و مادرهایی که حامله بودند را می‌کشتند. قوم بنی اسرائیل خیلی بدبختی کشیدند تا به حضرت موسی(ع) رسیدند و آن معجزات بزرگ الهی را دیدند. مانند عبور از رود نیل، نازل شدن غذای آماده از آسمان (آنزلنا علیکم المنّ و السّلوی؛ بقره/۵۷) و جوشیدن دوازده چشمه از دل زمین برای دوازده قبیله (فأنفجرت منه اثنتا عشرة عیناً؛ بقره/۶۰) گویا دنیا برای آنها داشت شبیه بهشت می‌شد! اما قومی که آن همه آیات الهی را دیدند و آن همه شکنجه شدند، سامری آنها را گوساله‌پرست کرد.

«سامری»های امت پیامبر(ص) دنبال دین منهای زندگی بوده‌اند / باید از طریق اصلاح زندگی، بندگی‌مان را اصلاح کنیم

- در روایاتی از پیامبر(ص) و ائمه هدی(ع) آمده است که این امت هم سامری دارد. (پیامبر(ص): ... وَ فِرْقَةٌ مُّذْهَبَةٌ عَلَى مِلَّةِ السَّامِرِيِّ؛ امالی مفید/ص ۳۰) برجسته‌ترین افرادی که به عنوان سامری این امت معرفی شده‌اند، کسانی هستند که دنبال عرفان و معنویت دینی منهای زندگی بوده‌اند. یکی از این افراد شاخص سامری مسلک، کسی بود که اصلاً اهل دنیا نبود و می‌گفت: «برویم سراغ خدا! زندگی را رها کنیدا!» و معلوم نبود که او از چه طریقی می‌خواست به خدا برسد!؟

- ما باید از طریق اصلاح زندگی، بندگی خودمان را اصلاح کنیم. اگر ما بتوانیم زندگی خودمان را تنظیم کنیم، به نقطه‌ای خواهیم رسید که بندگی بسیار زیبایی خواهیم داشت. هر وقت دیدید که حال مناجات ندارید، مطمئن باشید که خوب زندگی نکرده‌اید، یعنی یک‌جایی به زندگی بی‌اعتنا بوده‌اید، یک‌جایی برای زندگی اهمیت قائل نشده‌اید، یا اینکه با پدیده معیشت و حیات و زندگی، غیرمحرمانه برخورد کرده‌اید. خدا به انسان مؤمن چنین اجازه‌ای نمی‌دهد.

باید زندگی‌مان را درست کنیم تا بتوانیم عاشق خدا شویم/ کسانی که فقط از سر گرفتاری سراغ امام زمان‌شان بروند، معلوم نیست که بعداً به امام‌شان خیانت نکنند

- تصور خیلی‌ها این است که انسان‌های بدبخت، بیشتر دینداری می‌کنند، در حالی که اصلاً این‌طور نیست. اتفاقاً ما آدم‌هایی را می‌خواهیم که خوب زندگی کنند و دل‌های آنها از گرفتاری‌ها آزاد باشد تا این دل‌ها را به در خانه خدا ببریم. یعنی کسانی باشند که گرفتاری نداشته باشند، زندگی آنها «معیشت صَکَا» نباشد و از دغدغه‌های نابه‌جای زندگی آزاد باشند؛ البته به‌خاطر اینکه زندگی‌شان درست است نه اینکه بی‌خیال زندگی باشند. اینها هستند که می‌توانند با امام زمان(ع) عشق‌بازی کنند و الا بسیاری از کسانی که گرفتار هستند، نمی‌توانند خوب دعای ندبه بخوانند.
- ما باید زندگی خودمان را با کمک دین، درست کنیم و بعد با یک آرامش و فراغت روحی و از سر معرفت، امام زمان(ع) را صدا بزنیم. و الا اینکه آدم‌ها گرفتار باشند و در خانه امام زمان‌شان بروند که امری طبیعی است. ولی اگر کسانی از سر گرفتاری (نه از سر آرامش و معرفت) به سراغ امام زمان‌شان بروند، معلوم نیست که اینها بعداً به امام زمان‌شان خیانت نکنند.
- قبلاً بعضی‌ها -در تأثیر هجوم تفکرات مارکسیستی- می‌گفتند: «فقط کسانی که فقیر و محروم و تحت ستم بودند، به پیامبر اکرم(ص) ایمان می‌آوردند!» در حالی که این‌طور نبود. مثلاً یکی از جوانانی که به پیامبر اکرم(ص) ایمان آورد، جوان یک خانواده بسیار مرفه و ثروتمند در مکه (به نام مصعب) بود. او هر چیزی که یک جوان می‌خواست، پدر و مادرش برایش تأمین می‌کردند. او از سر فراغت و نه از سر گرفتاری، به پیامبر(ص) ایمان آورد. (کان مصعب ابن عمیر فتی مکتة شبابا و جمالا و تیهبا، و کان أبواه یحجانها، و کانت أمه تکسوہ احسن ما یكون من الثیاب... الاستیعاب/۱۴۷۳/۴)
- مصعب، جوان ثروتمندی بود که به پیامبر(ص) گرایش پیدا کرد و وقتی که عده‌ای از مردم مدینه مسلمان شدند و از پیامبر(ص) خواستند که یک مبلغ بفرستد که آنها را با اسلام آشنا کند، پیامبر(ص) او را فرستاد. و او بود که مقدمات گرایش مردم مدینه به اسلام را فراهم کرد. (الکامل فی التاریخ، ابن‌اثیر/۶۶/۲) و (تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت، علی دوانی/۳۹۰)
- باید زندگی خودمان را درست کنیم تا بتوانیم عاشق خدا و اولیاءش بشویم، و الا درگیر این زندگی باقی می‌مانیم. چون زندگی خوب، برای روح انسان درگیری ایجاد نمی‌کند لذا این روح می‌تواند عاشق بشود.

